آرزومندم

آرزومندم ترا بار دگر، جانا، ببینم
د
مست و مفتون
شاد و خندان
در کنار سبزه های [illegible] نوبهاری رنگارنگ
کز سحرگه
خورده باران
با تو بنشینم بزیر سایه‌ای بید مجنون
دور با گلها
سازم مست
بی‌خبر باشم ز غمها، دردها، وز عمر رفته
کش به غفلت
دادم از دست
آتش عشق جوانم گشت خاکستر باز گردد
شعله‌ها
کشم در دوش
آرزوهای جوانی پیچکه بر سر باز گردد
غنچه
گل برآرد
در دل من
آرزومندم شود دنیای ما باغ شکوفان
پر ز نیکی
ثمرش شادی
بر دل مردم بتابد نور عشق و نیک بختی
کس نبیند
نامرادی
در جهان دنیای آزاد از بیداد ستم
در میان ما
ننگ نجستان
آرزومندم ترا بار دگر جانانه بینم
مست و مفتون
شاد و خندان

تهران ۱۹۴۹